

## تصویر حدود هفتاد سال پیش افغانستان و شهر کابل



زندگی فامیلی عنعنوی: از نقاشی های مرحوم استاد برشنا

قسمت 6:

تهیه کننده: خلیل

شماره (231)، سال 17، چهارشنبه 25 ثور 1325 ش.، مطابق 15 می 1946، شماره مسلسل (4426):

ص اول: والاحضرت سپه سالار غازی صدراعظم برای نخستین بار کنفرانس مطبوعاتی را بحضور پذیرفته و در زمینه های سیاست داخلی و خارجی مملکت و اصلاحاتی که والاحضرت شان در امور افغانستان در نظر دارند، توضیحات دادند.

در وسط صفحه عکس بزرگی از والاحضرت غازی چاپ شده که در زیر آن یک عکس شان با کارمندان مطبوعاتی به چاپ رسیده است.

ص 4: اعلان از ریاست دیپوی تعاونی

قابل توجه اهالی کابل و شش گروهی

1. سر از امروز موسسه تعاونی به توزیع رخت به کوپون داران آغاز می یابد. اینک از سه ناحیه ذیل که در دکانهای متعلقه آن تکمیل شده، اعلان می گردد:

1. ناحیه اول بدکان نمبر اول دپیو واقع بازار شهر نو.
2. ناحیه 2 بازار ده افغانان متصل مسجد میرا (میرها).
3. ناحیه 3 بازار ده افغانان سرای روغن فروشها.

از تاریخ 25 ثور الی 31 ثور به استثنای روز جمعه، هر روزه در هر دکان به (200) نفر تکه داده می شود. در روز اول 25 ثور کوپونداران هر ناحیه بدکان متعلقه خود از نمبر اول الی 200، و به روز دوم 26 ثور از نمبر 201 الی 400، و به روز سوم 28 ثور از نمبر 401 الی 600 و به روز 29 ثور از نمبر 601 الی 800 و بروز 30 ثور باقیمانده نفری ناحیه مذکور به دکانهای متعلقه خود مراجعه کرده و سهمیه های خود را اخذ نمایند.

تبصره: از دیگر ناحیه ها و شش گروهی که دکانهای شان در شرف تکمیل است، متعاقباً اعلان می شود.

2. بمقابل هر کوپون دوازده متر تکه یک بره داده می شود، که چهار متر آن از صحن پلخمری و دو متر آن از صحن سفید یا ململ هندی و یا امریکائی و باقی شش متر تکه آن از تکه های رنگه هندی و امریکائی به پسند خود شان که بدکان موجود است، خواهد بود.

اما از تکه های برکلان و دو بره که در اعلان واضح شده یک متر آن بر یکنیم تکه های یک بره برخوردار محسوب می شود.

در اخیر اعلان قیمت تکه های وطنی و هندی و امریکائی آمده است.

سال 17، شماره (232) پنجشنبه، 26 ثور 1325، نمبر مسلسل: (4437).

در ستون اول، صفحه اول: تقدیم اعانه برای پوهنتون

کابل: طوریکه اطلاع گرفته ایم، شاغلی محمد شاه خان کاکا خیل ساکن گردی مردان ضلع پشاور، که از افغانهای حساس می باشند، مبلغ 500 کلدار برای پوهنتون (یونیورسته) کابل اعانه داده، و قرار معلوم این اعانه از طرف ریاست پوهنتون با تشکر پذیرفته شده است.

نوت: خبر نشان میدهد که «پوهنتون بازی» شروع شده بود. برای توضیح آن نیاز بوده تا با «یونیورسته» در پهلوی آن گذاشته شده بود.

در وسط همین صفحه دو عکس به چاپ رسیده: شاغلی عبد الغنی خان قوماندان فرقه اول قوای مرکز، که به قوماندانی قوای مرکز (عوض داوود) تقرر حاصل نموده است. شاغلی غلام رسول خان وکیل ریاست اردوی حریبه که به قوماندانی فرقه اول قوای مرکز تقرر یافته است.

نوت: خبر نشان میدهد که اختلافات خانوادگی میان والاحضرتان بالاگرفته بوده، که در نهایت به سقوط تمام شان انجامید. خبر فوق حاکمیت که شخصی به عوض سردار محمد داوود قوماندان قوای مرکز مقرر شده است. در شماره قبلی (231) این خبر نشر شده بود. به خبر زیر توجه کنید:

اعطای نشان المرعالی از حضور مبارک همایونی

**کابل:** قرار اطلاعاتی که رسیده، چون والاحضرت سردار محمد نعیم خان علاوه بر ایفای خدمات شایسته که در وزارت معارف بحیث وزیر معارف نموده اند، مدتی عهده معاونت صدارت عظمی را نیز داشتند. لذا، از حضور مبارک همایونی نشان المر عالی سر افراز شدند.

**تبصره:** با رفتن والاحضرت اشرف صدر اعظم، سردار محمد داوود و سردار محمد نعیم برادر زاده هایش از عهده های شان نیز کنار رفتند. این امر اگر یک طرف با آمدن حکومت نو (تنها در مورد سردار محمد نعیم) ایجاب میکرد، از طرف دیگر نشان دهنده اختلاف عمیق خانوادگی بود، که میان برادران، نسل دوم شان جریان داشت. مانند اختلاف میان سردار ولی و سردار داوود و غیره. عاقبت این اختلافات گلیم همهء شان را جمع کرد.

سال **17**، شماره **(233)** شنبه **28** ثور **1325** ش، مطابق **18** می سال **1946** ع، شماره مسلسل: **(4428)**.

**مجلس عالی وزرا تصویب نمود که بعد از این خریداری روغن زرد، گندم، روغن کنجد، و برنج بصورت ریزش و حواله منع قرار داده شود، و این تصویب از حضور شاهانه هم منظور شد.**

**کابل:** طوریکه اطلاع گرفته ایم، حسب تصویب مجلس عالی وزرا و منظوری حضور شاهانه، محض رفاه اهالی و رفع مشکلات ایشان، خریداری روغن زرد، روغن کنجد، و برنج بصورت ریزش و حواله ذریعه حکام و مامورین رسمی منسوخ گردیده، عجالتاً تا موعد چهار ماه شرکت ارزاق یک اندازه روغن زرد را که علاوه از کارآمد دوایر و موسسات دولتی موجود دارد، بقرار تقسیم روزمره به نرخ صد افغانی فی سیر در دسترس اهالی کابل می گذارد. اما اهالی باید تهیه روغن خود را خود شان بصورت آزاد از هرکجا که خواسته باشند، در نظر بگیرند. زیرا، بعد از چهارماه شرکت ارزاق قطعاً روغن برای فروش به اهالی نخواهد داشت. قرار معلوم، روغن زرد و کنجد و برنج که کار آمد دوایر و موسسات دولتی است نیز در آینده توسط هیئت های مختلط بصورت خوش خرید و بدون مداخله حکام و مامورین دولتی از مراجعش تهیه خواهد گردید. همچنین برای مزید رفاه اهالی فیصله شده که گندم کار آمد خوراکهء پولیس و ژاندارم نیز بصورت خوش خرید تهیه شود و از حواله و ریزش این قسمت صرف نظر بعمل آید.



و در ذیل خیر فوق این «یاد داشت» اصلاح نشر شده:

### **الغای خریداری روغن، گندم و برنج بصورت حواله**

یکی از چیزهائیکه باقیمانده ایجابات جنگ بوده و می بایست در اثر جریان اقتصادیات صلح از بین میرفت، همین خریداری های حکومت بصورت حواله است. البته در آن اوقاتیکه جنگ شدت داشته و آوازهای متخالف بالای روحیه مردم خالی از تأثیر نبود، منطقی داشت. اما بعد از این دیگر ضرورتی در بین نیست روغن، برنج و گندم بصورت حواله خریداری شده و برای تهیه ذخیره جهت جلوگیری از قحط و احتکار جمع شود. اقتصاديون کلاسیک راست می گفتند که در «در آزادی تأثیری

هست که نمی توان آن را از حمایه و مداخله بدست آورد». بلی، نه تنها اقتصاد، روحیات هم مصدق این گفته است. چه وقتی متاعی زیر کنترل گرفته شده خرید و فروش آن نظارت کرده می شود، دارنده متاع و محتاج هردو خود را زیر تضییق حس کرده خواهش می کنند از آن تأثیر فرار کنند و به اعمالی متوسل شوند که مغایر آن نظارت و کنترل باشد. از همین جاست که قیمت ها بجای اینکه یکی باشد، دو نوع میگردد، قیمت کنترولی و قیمت غیر کنترولی که آن را بازار سیاه یا قیمت ناجایز می گویند. برای رفع این گونه معاذیر باید بازار کاملاً آزاد گذاشته شده، امتعه بر هیچگونه نظارتی نباشند، تا قیمت ها تحت تأثیرات مثبتئه عرضه و تقاضا تثبیت و همان نظام اجتماعی که کلاسیک ها پیش بینی می کنند بوجود آید، و رفاه عامه را تأمین نماید. خوب شد که ایجابات جنگ رفع و مجلس عالی وزرا باین مرحله رسید که دیگر خریداری جبری روغن و گندم را از مملکت رفع و خرید و فروش این دو متاع مهم را که محتاج الیه اولیه مردم است، آزاد بگذارد.

یقین دارم در زیر تأثیر آزادی تجارت و داد و گرفت این دو ماده (روغن، آرد) قیمت ها روز بروز پائین خواهد آمد، و اوضاع پیوسته بر له مردم مبدل خواهد شد. زیرا، در آزادی تجارت تأثیری هست که هیچکس نمی تواند از آن انکار کند. بجز در موارد بحرانی و استثنائی که اکنون وجود ندارد؛ باید روغن، گندم و تمام چیزهائیکه در داخل مملکت تولید می شود، بطور آزادانه خرید و فروش شود، تا هرکس هرچه دارد، به بازار کشیده در تحت تأثیرات عرضه و تقاضا و بکار افتادن حس رقابت و نوامیس حقیقیه میکانیزم قیمت آن را بفروشد. طبیعی است که در این صورت مردم، طبقه مستهلک بالاخره همان کسانیکه ما همیشه از حقوق و مفاد آن مدافعه کرده نصب العین همهء ما رفاه و آرامی مردم آنهاست، مستفید می شوند.

این در حالیست که والاحضرت غازی در قسمتی از خط مشی شان چنین گفته بودند: «... بطور عموم مرام و غایهء اصلی و اساسی ما عبارت از تأمین رفاه و سعادت ملت است. و برای حصول این مقصد از هیچگونه سعی و کوشش دریغ نخواهیم نمود. اما چون اوضاع فعلی نظریهء تأثیر جنگ بین المللی گذشته و پارهء پیش آمد های دیگر، از قبیل خرابی اوضاع بازار و قلت باران و غیره ... توجه اولین را در قسمت مسایل اقتصادی و ارتزاقی ایجاب میکند... البته این کار آسانی نیست. زیرا، قسمت کلی خرابی های موجوده از اثرات جنگ جهانی و اوضاع طبیعی و جوی رو نما شده است که چاره آن در دست ما نمی باشد».

از فحوای سخنان والاحضرت غازی فهمیده می شود که بر علاوه بحران ناشی از اعواقب جنگ، مردم به مصیبت خشک سالی نیز دچار بوده اند. در چنین حال دهقانان و مالداران قبل بر آن مجبور بوده اند که یک حصه دست رنج شان را با بهای نازلتر (خوش خرید و جبری) بدولت بدهند که خوراکهء ژاندارم و اهالی (در عمل مامورین) کابل شود.

\*\*\*\*

همین شمارهء اصلاح پر از «اعلانات ریاست دیپوی تعاونی» است، که نشان میدهد، حکومت تصمیم خوبی گرفته بوده و مامورین دولت (و حتی اهالی) را تحت پوشش آن قرار داده بوده است.

چون آن روز ها مصادف به ختم جنگ جهانی و آغاز پروسهء تجزیهء شبه قاره هند بوده، و دولت مکار انگلیس مشغول توطئهء بوده که هند بزرگ را تجزیه و از آن دو کشور هندو پاکستان ایجاد نماید. در زیر همان خبر تصمیم مجلس عالی وزرا این خبر درج شده:

**پتک لارنس وائی چه سره د دیرکوشش و کانگرس او مسلم لیگ په منح کشی پوره موافقه حاصله نه شوه:**

نوی دیلی: ورمه شپه پتک لارنس وینا وکره او پدغه وینا کشی ئی وویل چه د انگلستان د کابینی وفد د سملی په کنفرانس کشی کوشش وکره چه دهند د دوه لویو حزبونو کانگرس او مسلم لیگ په منح کشی موافقه وشي، خو سره ددی چه دواړه حزبونه د یوبل نظر ئی ته نژدی شول، کلی موافقه و نه شوه ...

در زیر همین خبر عکس پتک لارنس وزیر هند چاپ شده است. در سمت چپ همین صفحه تبصره ای روی کنفرانس سمله، بقلم آقای شعاع نشر شده که بطور سریال در چند شماره تداوم داشته است. حتماً این سریال بازگو کننده نظر رسمی آن وقت افغانستان بوده است.

سال 17، شماره (234)، یک شنبه 29 ثور 1325 ش، مطابق 16 می 1946 ع، شماره مسلسل: (4429).

---(هنوز ثور به غویی بدل نه شده بود)---

صفحه اول، خبر اول: اعانه به انجمن نسوان

کابل: والاحضرت قمر البنات خانم والاحضرت سپه سالار غازی صدر اعظم، نظر به علاقه ای که به پیشرفت نسوان مملکت دارند، مبلغ ده هزار افغانی را به موسسه خیریه و تعاونی نسوان اعانه داد، و بر علاوه دیگر کمک های مادی و معنوی خویش را نیز به موسسه موصوف و عده فرمودند.

خاطره: در اینجا بی مورد نیست که یک- دو نزاکت را در رابطه به فامیل مرحوم شاه محمود خان ارایه نمایم:

1. بعد از کودتای «غویی» که حکومت خلقی گویا به منظور نشان دادن خیانت های خاندان سلطنتی، نمایشی از دار و ندار آنها در کابل دایر کرد. وسایل شامل لوازم خیلی معمولی و حتی پائین تر از سوبیه خاندان شاهی بودند. در میان آنها قطعاً اشیای تجملی و قیمت بها موجود نبود. این نشان میدهد که یا این خاندان زندگی تجملی نداشته و یا اینکه اگر اشیای تجملی موجود بودند، آنها را «خلقیان» همانند بلشویکها در انقلاب بخارا، دزدیده بودند؟!
2. بعضاً در نشراتی شایع شد که گویا خاندان شاهی از مدرک بل برق باقی دار بودند. مثلاً نوشته شده بود که شهزاده احمد شاه چه مبلغ، شهزاده نادر چه مقدار پول و غیره، که هیچکدام شان بالای ده هزار افغانی نبود. در حالیکه در همین یکی - دو شب قبل رسانه های بین المللی خبر دادند که حدود 1.9 میلیارد افغانی از مدرک بل برق را زور گویان و تفنگ سالاران نه پرداخته اند، و «شرکت برق» در نظر دارد آن را به ضرر شرکت معامله کند. (26 یا 27 سنبله 93).

یک نظریه شخصی در مورد خاندان آل یحی:

در تاریخ آمده که پدران این خاندان در زمان امارت امیر عبد الرحمن به هند تبعید شده و در دیره دون با جیره حکومت انگلیس زیست میکردند. با استفاده از این فرصت پسران شان تحصیلات عالی کرده و بزبان انگلیسی مسلط شدند. گرچه محتاج تحقیق است که تحصیلات هر کدام شان در چه سطحی بوده است. ولی یک چیز محرز است که امورات دولت داری و سیاست را در مکتب انگلیس یاد گرفتند، و چه بسا که شامل سروویس های استخباراتی نیز شده باشند.

با وجودیکه امیر عبد الرحمن در رساله «دنیا و دین» به فرزندانش وصیت کرده بود که روی اینها حساب نکنند. ولی گفته می شود که امیرحبيب الله بطوری به یکی از خواهران نادر دل می بندد. بنا براین، و شاید با دلایل دیگر درون خاندانی به این برادران و پدران شان اجازه می دهد که به افغانستان بر گردند. نه تنها برمی گردند که مقامات مهمی را اشغال می کنند: پدران شان مصاحبان امیر می شوند، و پسران نیز مقام های بلند عسکری می گیرند. در این ماجرا اگرچه امیر حبيب الله به امیال جنسی اش میرسد، اما با دست خویش در آتیه باعث سقوط سلطنت پسرش و قدرت سیاسی در خاندانش میگردد.

بعد از آنکه نادر شاه بقدرت رسید، دیدیم که یکی از معتمدین کلان استخبارات، شاه جی، تا آخر در پهلوی شان بوده و به مقامات بلندی میرسد. گرچه نادرشاه کلان ترین برادر نبوده، اما روی عوامل سیاسی و خاندانی همه برادران او را منحصیث کلان شان قبول کرده بودند. ولی این بدان معنی نبود که برادران دیگر از حقوق شان صرف نظر نموده باشند. برادران به این اصل پشتو سخت پای بند بودند که «ژرنده که پلار ده هم په وار ده». عقیده دارم که اگر در روز گذشته شدن نادر، هاشم در کابل بود، قطعاً ظاهر به سلطنت نمیرسید، و او خودش قدرت را میگرفت. وقتی هم که در برابر عمل انجام شده قرار

گرفت، باز هم در عمل قدرت بدست خودش بود و ظاهر فقط اسماً پادشاه بود. اصطلاح «صدارت- سلطنت» در این زمینه از سوی بعضی ها بکار برده شده است، که تا سال **1325** ادامه می یابد. تا اینکه شاه محمود چا نشینش می شود. اما، شاه محمود که بنا بر عواملی، من جمله خطر از دست دادن قدرت سیاسی، ظاهر شاه را پیش کشیده و در قدم اول خودش به او بیعت می کند. بنابراین، شاه محمود یک نوع منتهی بر ظاهر شاه داشته. حتی در یکی از شماره های مجله کابل آمده که زمانی هاشم خان برای تداوی می خواهد به خارج برود. برای این کار او برادرش شاه ولی خان را که سفیر بوده به کابل می خواهد و سر پرست صدارت تعیین می کند، و بعد به خارج سفر می کند.

با آمدن شاه محمود در صدارت، اگر دولت از یک طرف دموکراسی را به تمرین می گیرد، ظاهر شاه نیز فرصت می یابد تا سلطنت کردن را تمرین کند. در عین حال دیدیم که برادر زاده های هاشم خان: داوود و نعیم نیز روی عوامل رقابت های درون خاندانی، **اودر زادگی**، یا سبکدوش شدند و یا هم خود شان وظیفه را ترک کردند. بعد از ختم دوره شاه محمود، بر اساس همان فرمول «ژرنده» نوبت به داوود و نعیم رسید که بهای خدمات پدر شان را خواستار بودند. اگر هاشم و شاه محمود به همان پست صدارت اکتفا کردند، داوود خان قطعاً به صدارت تام الاختیار راضی نبوده و «خود مرغ» را می خواست، نه تخم مرغ را. چنانکه در سال **1352** با مصلحت یا بدون مصلحت، بساط سلطنت ظاهر شاه را سرنگون و ریاست جمهوری را بنام خودش محک زد. در این میان یگانه شخصی که به مقصد نهائی اش نرسید، همان «مارشال» بیچاره بود که به امید به قدرت رسیدن سردار ولی، کابل تصرف کرده اش را، که به یمن آن «مارشال» شده بود، در شرایط سختی ترک و در خارج دنیا را پدرو گفت.

قابل ذکر است که برادران بعد از غصب قدرت، که با همان کالای تن شان آمده بودند، بهترین ملکیت هائی را در چار اطراف کابل تصرف کردند: نادر- کاریزمیر، هاشم ( و شاید عزیز پدر داوود و نعیم)- چوک ارغنده، شاه محمود – ریشخور، و شاه ولی چهار آسیاب را تصاحب کردند. حال که در کابل «باغ داوود» می گوئیم، همان ملکیت پدری (؟) هاشم خان و عزیز خان باید باشند. غیر از این، قرار افواه از هاشم خان میالغ هنگفتی سرمایه نقدی نیز میراث مانده بوده، که قرار گفته معمرین و کلان ها، مقدار آن باید (**90** میلیون یا میلیارد؟! ) بوده است، و بعد از فوت هاشم خان مشهور به اخته، به برادرزاده های اصلی اش، داوود و نعیم، رسیده بود. مبلغ **90** میلیون یا میلیارد هم از زبان مرحوم مولوی محمد قاسم خان، پدر کلان آقای ظهیری نقل شده بوده، که بحیث معین وزارت عدلیه آن میراث را بین ورثه ترکه شرعی کرده بوده. امید وارم اگر کسی در این مورد معلومات ثقه دارد، لطفاً مرا تصحیح کند. می گویند در جمله جایداد های میراثی یکی هم کشتی ای بوده، که در آبهای بین المللی کار میکرده است. آخر و الاحضرت اشرف که مدت سال تمام با قدرت تام این مملکت را حتی در شرایط جنگ بین المللی سکانداری کرده بود. والله و اعلم.

گفته می شود که یکی از عوامل عدم رشوت خوری داوود خان، و شاید نعیم خان، همین ثروت کلان وقت بوده که برایش میراث مانده بود. در حالی که مرحوم داوود خان و خاندانش معروف بالفساد نبودند، ولی در مورد نعیم خان شاید این گفته صدق نکند.

برعکس، ظاهر شاه خودش و اولادهايش معروف بالفساد بوده اند. در اوایل سالهای **1360** که برای اجرای کارهای رسمی به بانک مرکزی میرفتی، در دیوار های بانک، عکس های ظاهر شاه در حال آب بازی با دختران نصب شده بود. شاید این صحنه ها از غلو مبرا نبودند، ولی چیزکی بود که چیزها گفته می شد. از قرغه و کاریزمیر که بگذریم، نقاطی مانند دره هاجر، فرخار، اوبه هرات، بند نغلو، بند **2** پلخمری، بند شیرخان و ... همه محلات عیاشی ظاهر شاه بودند. او در تمام این نقاط اتاق های مخصوص خودش را داشت، که دیگران حق پر زدن در آن ها را نداشتند. گفته می شود که مرحوم داوود خان هنگام خانه نشینی سفری داشته به ولایت کندز، و ضمن این سفر برای سپری کردن شب به هتل «سپینزر» در همان اتاق ظاهر شاه اتراق می کند. وقتی غلام سرور ناشر از موضوع مطلع می گردد، او را مجبور می کند که اتاق را ترک کند. روی همین علت داوودخان با ناشر کینه گرفته و بعد از گرفتن قدرت ناشر را با روزهای بدی مواجه نمود.

در سالهای **1348** یا **1349** در بندر شیرخان یک حویلی خیلی عصری بفاصله کمی در غرب دروازه «پورت» موجود بود، که گفته می شد صرف چند دختر زیبا و یک شخص مربی آنان در آن زیست می کنند، و در هنگام نیاز به خدمت ظاهر شاه میرسند. همچنین در لب دریای آمو، یکی از قایق های گزمه زمان امان الله خان رنگ امیزی و به یک تنه درخت بسته بود، که گفته می شد محل شراب و کباب کلان هاست. البته در آن سالها جنگلات مسر آمو دست نخورده و محل خوب شکار «مرغ دشتی» نیز بود. و الله و اعلم.

ص **4**: این صفحه پر است از اعلانات دیپوی تعاونی که تقریباً **70** % صفحه را پر کرده است. از جمله این اعلان:(شماره **232**):

#### اعلان از شعبه توزیع دیپوی تعاونی

قابل توجه اهالی:

- 1.** اشخاصیکه از مسکونین اطراف مملکت بوده و فعلاً در کابل بود و باش داشته و یا مسافر هستند، می توانند به شعبه توزیع ریاست دیپو مراجعه فرموده بمقابل ارایه تذکره نفوس خود مثل اهالی کابل کوپون **12** متر تکه را اخذ نمایند و از خریداری بازار سیاه دست بردارند.
- 2.** ذواتیکه کوپون رخت گرفته اند، اکثراً تصور خواهند نمود که موعد کوپونها بزودی انقضا یافته باین واسطه بدکانهای توزیع رخت هجوم می آورند. بغرض رفع اشتباه اعلام می شود که کوپونهای مذکور الی اخیر برج سرطان اعتبار داشته در ظرف این مدت دو ماه بهر موقعیکه بخواهند رخت مندرجه کوپون خود را گرفته می توانند.
- 3.** برای مدت قلیلی فروش بوره آزاد دکانهای شهر کابل از یک چهارک، لزوماً به نیم چهارک تقلیل داده شده و به دکانداران بوره فروشی خود هدایت دادیم که آینده برای مراجعین نیم چهارک بوره بدهند.

\*\*\*\*\*

(باقی دارد)



به استقبال خزان



وضعیت امروزی شهر کابل



دردی که علاج سریع می خواهد